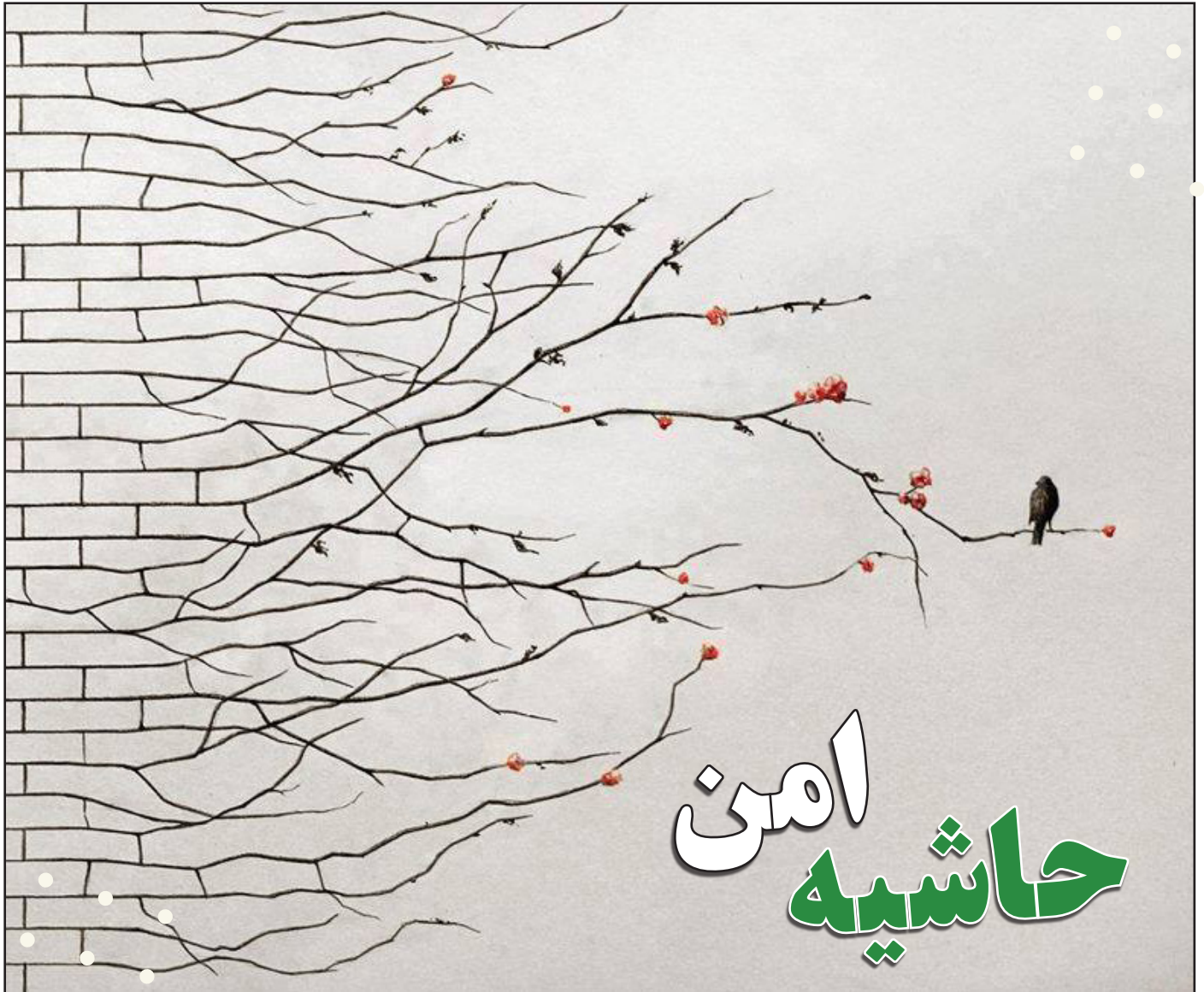




در این شماره می‌خوانیم ...

صفحه ۴

فلش بک

صفحه ۳

تحلیل سیاسی جنگ دوازده روزه

صفحه ۶

رسانه از گذشته تا به امروز

صفحه ۵

عبور از من تثبیت شده

صفحه ۹

جنسیت؛ شیر یا خط؟

صفحه ۸

پیام عاشورا در دنیای امروز

کی



فهرست مطالب

- ۳ تحلیل سیاسی جنگ دوازده روزه
- ۴ فلش بک
- ۵ عبور از من تثبیت شده
- ۶ رسانه از گذشته تا به امروز
- ۸ پیام عاشورا در دنیای امروز
- ۹ جنسیت؛ شیر یا خط؟

سخن سردبیر :

به نام او

در دنیایی که هر روز اتفاقات گوناگون می افتد، همه ما جایی در ذهنمان یک «حاشیه امن» داریم؛ نقطه ای که در آن می ایستیم تا جهان را بهتر بفهمیم، تا از دل شلوغی ها سر بلند کنیم و معنای اتفاقاتی را که از کنارمان می گذرد، پیدا کنیم. اما حقیقت این است که هیچ حاشیه امنی ثابت نمی ماند؛ انسان، جامعه و تاریخ مدام ما را به سمت تجربه ها و پرسش های تازه هل می دهند.

شاید همین نیاز به جستجوی معنا بود که این شماره را ساخت؛ جایی که در آن از تغییرات سخت اجتماعی گفتیم، از رسانه هایی که مرزهای امن ذهن ما را شکل می دهند، از بحران هایی که هویت فردی و جمعی را به چالش می کشند، از تصمیم های بزرگ سیاسی تا روایت های عاشقانه و عاشورایی. هر متن، تلاشی است برای نگاه کردن به بیرون و درون؛ برای دیدن اینکه امنیت واقعی کجاست و چه زمانی باید دل کند و قدم گذاشت در راهی ناشناخته.

حاشیه امن فقط یک عنوان نیست؛ دعوتی است به اندیشیدن.

امیدوارم ورق زدن این شماره، شما را هم به جستجوی حاشیه امن خودتان ببرد.



مبینا شورابی

تحلیل سیاسی جنگ دوازده روزه

نویسنده: امیرمحمد زارع



هر اقدام شرایط میدانی و سیاسی را می‌سنجند و اگر منفعتی ببینند یا بتوانند مانعی را از میان بردارند، وارد عمل می‌شوند.

حضور مقتدر نیروهای مقاومت در لبنان و سوریه طی سال‌های اخیر یکی از اصلی‌ترین عوامل بازدارنده در مقابل طرح‌های تهاجمی بوده است. این حضور همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات منطقه ای دارد. در عین حال برخی تحولات منطقه ای، از جمله تغییر در ترکیب قدرت در سوریه، به مقاومت ضرباتی وارد کرد و هزینه‌هایی به دنبال داشت که می‌توان گفت زمینه‌ساز حمله مستقیم رژیم صهیونیستی بود.

تحلیل چرایی رخداد جنگ دوازده روزه را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد:

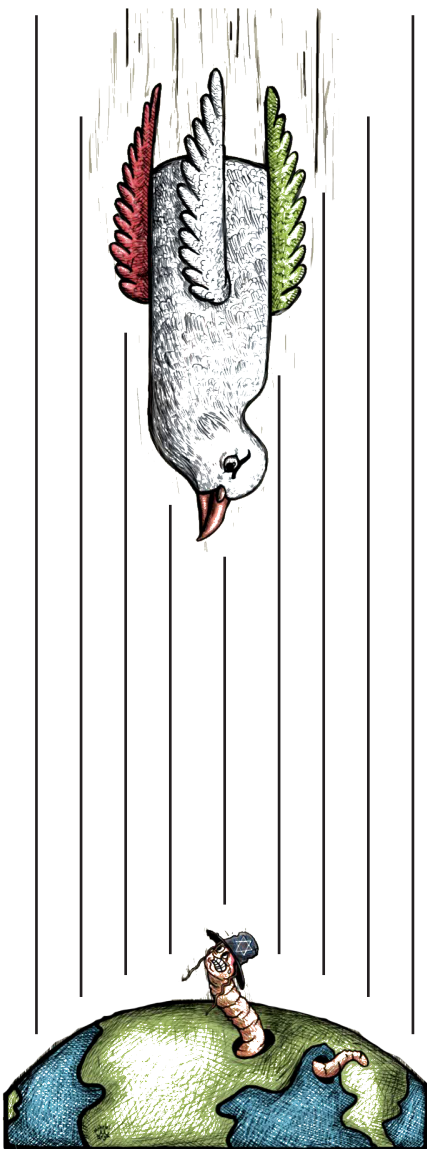
خطای ارزیابی وحدت ملی: گمان اینکه ضربه نظامی همراه با فشار اقتصادی و تحریک گروه‌های جدایی طلب می‌تواند مردم را علیه حکومت شورانده و به فروپاشی داخلی منجر شود، محاسبه‌ای نادرست بود. واکنش متحدانه مردم و نهادها نشان داد این انتظار بی‌اساس بوده است.

تمرکز بر ضربه زدن به فرماندهان: دشمنان گمان کردند قدرت نظامی ایران وابسته به چند فرمانده کلیدی است؛ بنابراین با هدف قرار دادن آنها می‌توانند

«لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا الیهود» این آیه یادآور آن است که دشمنی قوم یهود با مؤمنان پدیده‌ای تازه نیست. اگرچه دولت مدرن اسرائیل کمتر از یک قرن عمر دارد، اما رفتارها و روش‌های آن را نباید صرفاً به تحولات پس از انقلاب محدود دانست. تجربه تاریخی نشان می‌دهد هر جریانی که حتی اندکی مقابل منافع آنها قرار بگیرد ممکن است با واکنش شدید روبه‌رو شود.

نگاه به تاریخ شکل‌گیری اسرائیل روشن می‌کند که سیاست‌ها و روش‌هایش محصول سابقه‌ای طولانی است. گاه حتی علیه قدرت‌هایی که زمینه تشکیل این دولت را فراهم کردند نیز اقدامات شدید صورت گرفته است. نمونه‌ای از این دست حمله به هتل کینگ دیوید، مقر فرماندهی بریتانیا، است که با بمبگذاری ده‌ها کشته بر جای گذاشت و هدف آن فشار برای خروج بریتانیا از فلسطین بود؛ نکته قابل توجه اینکه پاسخ قاطع و متناسبی از سوی بریتانیا دیده نشد. این وقایع نشان می‌دهد منطق حاکم بر برخی اقدامات، حذف یا تضعیف هر جریان مانع منافع بلندمدت است.

در این چارچوب جمهوری اسلامی ایران با رویکرد حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم طبیعتاً در نقطه مقابل اهداف رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. بنابراین تداوم تقابل دور از انتظار نیست. صهیونیست‌ها عموماً حسابگر و محتاط‌اند؛ پیش از



توان توان دفاعی را فلج کرد. هرچند تلفات انسانی سنگین و جبران ناپذیر بود، ساختارهای نظامی و مدیریتی ظرفیت مدیریت بحران و ادامه فرماندهی را نشان دادند و این در محاسبات مهاجمان دیده نشده بود.

نگرانی از پیشرفت هسته ای: ترس طولانی مدت اسرائیل و برخی متحدانش از مسیر هسته ای ایران، به ویژه در ترکیب با توان موشکی، یکی از محرک های راهبردی فشار و عملیات های نظامی بوده است.

هدف ۴۸ ساعته و ناکامی در آن: هدف اولیه مهاجمان سرنگونی سریع نظام یا ایجاد فروپاشی قابل مشاهده در ساعات اول بود. این هدف محقق نشد؛ هرچند خسارات سنگینی وارد آمد، اما عملیات نتوانست هدف اساسی دشمن را عملی کند و خود مهاجمان نیز متحمل ضرباتی شدند.

یکی از ویژگی های راهبردی طرف مهاجم این است که اهل جنگ طولانی مدت نیست؛ زمانی که ادامه درگیری به ضرر آنها باشد، به سوی آتش بس و بازتنظیم قوا متمایل می شوند. در این مورد نیز آتش بس مطرح و اجرا شد؛ الگویی که در تاریخ تقابل ها از جمله جنگ با اعراب دیده شده است و گاهی برای بازسازی و بازتنظیم قوا به کار می رود.

نتیجه گیری: جنگ دوازده روزه پایان یک مرحله از رقابت راهبردی ایران و اسرائیل بود، اما نه پایان خصومت ها و نه خاتمه نبردهای منطقه ای. آمادگی های نظامی، اطلاعاتی و سیاسی طرفین همچنان جریان دارد و هر دو سو می دانند که این تقابل بلندمدت در آینده نیز باز تکرار خواهد شد. جمهوری اسلامی با تکیه بر انسجام داخلی، ظرفیت های منطقه ای و ساختار قابل انعطاف خود را برای مواجهات آینده حفظ می کند؛ در مقابل، طرف مقابل به دنبال زمان بندی و نقاطی است که بتواند از آنها بهره برداری کند.

فلش بک

نویسنده: رقیه نارویی



موشکی، تسلیحاتی و بانکی یهو برمی گردن. این قانون برای غربی ها خوب بود، چون مطمئن بودن ایران غنی سازی رو کم نگه میداره. ولی برای ایران مثل یه خطر همیشگی بود. سال ۲۰۱۸، آمریکا خواست اسنپ بک رو راه بندازه، ولی نشد. سال ۲۰۲۵، انگلیس و فرانسه گفتن ایران داره غنی سازی زیاد میکنه و کلی اورانیوم جمع کرده، برای همین تحریم ها رو برگردوندن. ولی اکتبر ۲۰۲۵، این قانون تموم شد.

بعضی سیاستمدارای ایرانی فکر میکردن برجام یه کلید طلاییه که درهای پیشرفت رو باز میکنه. اونا با خوشباوری، اسنپ بک رو یه چیز ساده دیدن، انگار فقط یه بند توی یک قراردادده. فکر کردن میتونن با لبخند و مذاکره، غرب رو راضی نگه دارن. ولی این ماشه، از اول طوری طراحی شده بود که هر لحظه بتونه ایران رو به عقب بندازه. ساده لوحیشون این بود که باور کردن اروپا جلوی آمریکا می ایسته یا تحریم ها واقعا میره. حالا که تحریم ها برگشتن و اقتصاد زیر فشاره، معلومه که این خوشباوری فقط یه دام بود. اونا فکر کردن میتونن با کاغذ و قول، دنیا رو عوض کنن، ولی نفهمیدن بدون قدرت واقعی، این ماشه فقط به ضرر ایران کار می کنه.

اسنپ بک فقط یه قانون نیست، یه قصه پر از کشمکشه. اگه کامل کار میکرد، ایران میگفت از یه معاهده مهم (NPT) میره بیرون و رابطه با اروپا خراب میشد. حالا که تموم شده، شاید وقت یه توافق جدید، بدون این قفل و کلیدا. توافقی که نه روی برگه بلکه به واقع به همه نشون بده ایران کجا ایستاده این توافق این دفعه نه با دیپلماسی آبکی بلکه فقط و فقط با رویکرد نظامی میتونه محقق بشه چیزی که در جنگ ۱۲ روزه همه ما به چشم دیدیم.

تصور کنید یک ساعت قدیمی توی یک کارگاه پر از گرد و خاک. چرخنده ها انگار با ریتم زمان می چرخند. توی این ساعت، یک قطعه کوچک هست به اسم مکانیسم ماشه. این قطعه انگار قلب ماجراست. نه فقط چند تا فنر و دندونه، بلکه چیزیه که یهو انرژی رو آزاد میکنه و همه چیزو به حرکت درمیاره. مثل یه کارگردان تئاتر می مونه که منتظر یه لحظه خاصه. توی ساعت زنگدار، فنرها و چرخنده ها آماده ان، ولی تا ماشه نکشه، هیچی نمیشه. یهو تیک! ماشه آزاد میشه، زنگا صدا میدن، چرخنده ها میچرخن، انگار زمان یه نفس می کشه. این فقط توی ساعت نیست. فکر کنید به یه کماندار که کمانشو می کشه، ولی تا انگشتش ماشه رو ول نکنه، تیر نمیره. ماشه قصه ی صبر و یه اتفاق بزرگ تو یه لحظه ست. حالا این ماشه ها توی چیزای امروزی هم هستن. یه کلیک روی ماوس که کلی اطلاعات میاره، یا توی هوش مصنوعی که یه برنامه رو راه میندازه. حتی تو بدن ما، سیگنال عصبی مثل ماشه ست که قلبمونو میزنه. دفعه بعد که یه دکمه زدی، به این ماشه کوچولو فکر کن که منتظره دنیا رو تکون بده. حالا فکر کنید به یه در قدیمی تو یه قلعه که با یه کلید خاص قفل شده. این در، تحریم های سازمان ملل علیه برنامه هسته ای ایرانه. کلیدش یه چیزیه به اسم اسنپ بک توی توافق برجام. انگار یه نگهبان که منتظره با یه حرکت، قفل ها رو باز کنه و تحریم های قدیمی رو برگردونه، ولی با کاغذ و قانون. اسنپ بک توی قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل (سال ۲۰۱۵) مثل یه دکمه خطرناکه. اگه یکی از کشورهای برجام، مثل فرانسه یا انگلیس، بگه ایران به قولش عمل نکرده، میتونه شکایت کنه. بعد یه پروسه ۳۰ تا ۶۰ روزه شروع میشه. شورای امنیت باید رأی بده که تحریم ها برنگردن. اگه رأی گیری بهم بخوره، تحریم های



«عبور از من تثبیت شده»

چرا تغییر دشوار است؟

مبینا شورابی



پیش از آنکه از سختی تغییر بگوییم، باید خود «تغییر» را درست بفهمیم. تغییر در منطق قرآن و در اندیشه‌ی شهید مطهری، یک جابه‌جایی سطحی یا یک تصمیم لحظه‌ای نیست؛ یک دگرگونی ریشه‌ای در نگاه انسان به خویش است. یعنی انسان از وضعیتی که در آن ایستاده بیرون بیاید، به خود از زاویه‌ای تازه نگاه کند و ارزش‌ها، عادت‌ها و جهت حرکتش را بازتعریف کند. به تعبیر مطهری، تغییر واقعی یعنی «حرکت انسان از آنچه هست، به سوی آنچه باید باشد». این «باید» نه از بیرون تحمیل می‌شود و نه به هیجان لحظه وابسته است؛ از اعماق آگاهی و ایمان انسان برمی‌خیزد.

قرآن این حرکت را با تعبیر «تزکیه» معرفی می‌کند؛ حرکتی که هم نقص‌هایش، قابل پیشبینی و امن به نظر می‌رسد. پاک کردن است و هم ساختن. نه نفی کامل گذشته، بلکه عبور از آن به شکلی آگاهانه. به همین دلیل است که قرآن می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها» رستگار کسی است که نفسش را پرورش دهد و شفاف کند. این همان لحظه‌ای است که تغییر از آرزو به مسیر تبدیل می‌شود.

قرآن همین حقیقت را با قانون تغییر بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یعنی تغییر بیرونی زمانی رخ می‌دهد که انسان نقطه‌ی ایستایی درونیاش را جابه‌جا کند. و جابه‌جایی درون، از جنس زور نیست؛ از جنس صداقت با خود است. از جنس روبه‌رو شدن با بخش‌هایی از خود که سال‌ها نادیده گرفته شده‌اند.

اما چرا این مسیر دشوار است؟

چون تغییر، ورود به مبارزهای است که میدان‌ش «درون» است. انسان باید از عادت‌هایی که سال‌ها به آن تکیه داده، از توجیه‌هایی که شکست‌ها را پنهان کرده و از امنیتی که فقط ظاهر آرام دارد، دل بکند. شهید مطهری می‌گوید انسان هنگامی که می‌خواهد تغییر کند، در برابر «جاذبه‌ی گذشته» مقاومت می‌کند؛ گذشته‌ای که با همه‌ی

تغییر سخت است، زیرا انسان باید بخشی از خود آشنا را ترک کند اما همین سختی است که تغییر را ارزشمند می‌سازد. راهی است که اگرچه با قدم انسان آغاز می‌شود اما قرآن وعده داده است که ادامه‌اش را تنها خواهد رفت.

رسانه...

از گذشته

تا امروز



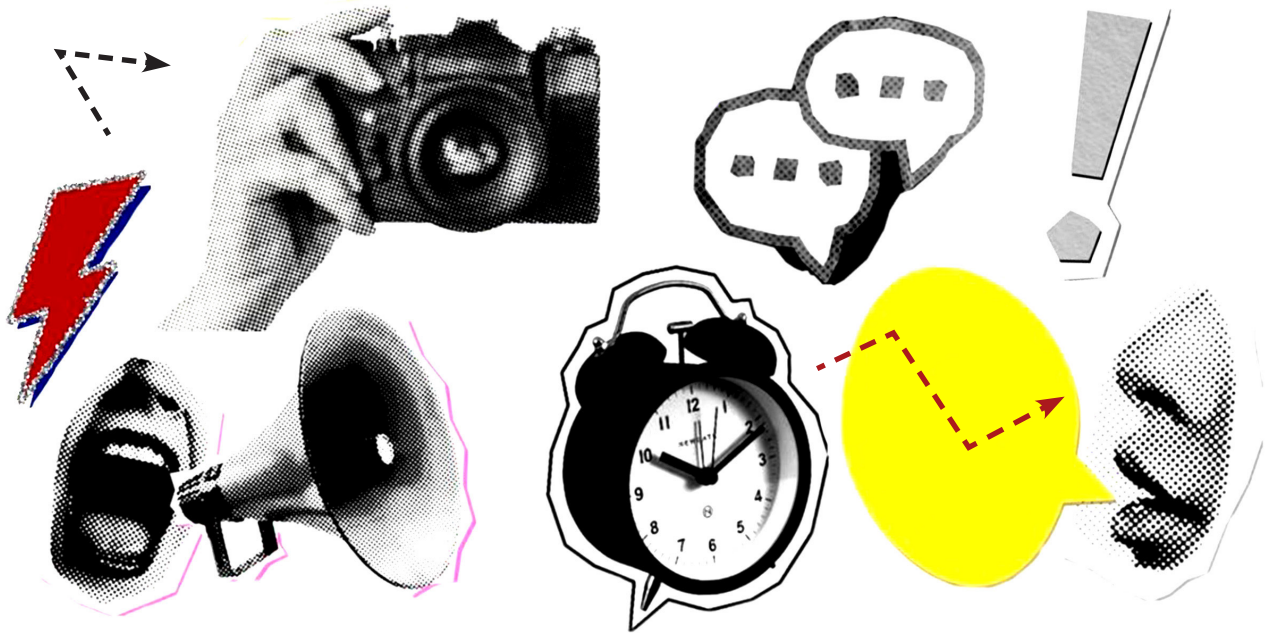
نویسنده: مرتضی گرمه‌ای

آگاهی، به چه قیمت؟

انسان، این موجود متفکر متحرک موثر، نقطه آغاز فکرش و حرکتش و تاثیرش،

از اخبار و اطلاعات و داده‌هایی است که دریافت میکند. با وجود اینکه فطرت انسان در همان نقطه صفر و خالی الذهن، با برخی بدیهیات اساسی و تمایلات الهی آشناست، اما برای شروع مأموریت، دستگاه معادلاتی فکر انسان، نیاز به واقعیت‌هایی به عنوان داده خام دارد تا پس از پردازش، آن‌ها را تبدیل کند به یک سری عقیده، یک سری تصمیم و نهایتاً یک سری عمل. این واقعیت‌ها، فارغ از اینکه منطبق بر حقیقت هم باشند یا نباشند، توسط موجودی به نام رسانه، اعلام می‌شوند و انتشار می‌یابند. پس میتوان ادعا کرد، قدمت رسانه به قدمت انسان است و از روزی که انسان پای در این جهان گذاشته و در دوراهی خیر و شر قرار گرفته، با رسانه‌های هر یک از این دو گروه، مواجه شده است. پیامبران، خود رسانه بوده‌اند و نیز رسانه داشته‌اند. ابراهیم علیه السلام، رسانه بود و استدلال‌هایش هم رسانه بوده‌اند. از آن طرف، نمرود و آن آتش عظیم نیز رسانه بوده است. عصا و ید بیضا موسی و همینطور جار چیان و سحره فرعون، در واقع رسانه بوده‌اند. فریاد هل من ناصر ی نصرنی اباعبدالله در ظهر عاشورا، بدون شک رسانه بوده است. بعدها، یعنی همین چند صد سال پیش، تدریجاً همه چیز منجمله موضوع رسانه پیچیده تر شد. به مرور، جهان کوچک شد و فاصله‌ها کاهش یافت و سرعت‌ها افزون گشت. دیگر، اخبار مورد استفاده مردم، محدود به احوال همسایه دیوار به دیوارشان نمیشد، بلکه باید به سرعت، از اتفاقات رخ داده در هزاران کیلومتر آن طرف تر هم مطلع میشدند. این گونه بود که تنور رسانه‌ها گرم شد و روز به روز، بر تعداد و تنوع رسانه‌ها اضافه گشت. این انفجار اطلاعاتی، همانند انفجارهای دیگر، پیامدهایی به دنبال داشت، اما مهمترین پیامد آن، به اعتقاد نگارنده، آغاز سلطنت رسانه بود. انسان‌ها، بیش از پیش به سمت مصرف اخبار گرایش پیدا کردند و نقش رسانه‌ها در هدایت تفکر و حرکت انسان‌ها پررنگ تر شد. در واقع، رسانه‌ها، دیگر از قوی ترین جنگ افزارها محسوب می‌شدند، فراتر از تانک و تفنگ. حال، تصمیم‌گیری در دوراهی خیر و شر، به راحتی گذشته نبود....

آنچه تمرکز را از روح و روان ما میگیرد، آگاهی‌های گذرا، پراکنده و گوناگونی است که ذهن را مشغول و مشوش می‌سازد. نشستن بی برنامه پای تولیدات رسانه‌ای، تمرکز انسان را از بین میبرد و حال آنکه تمرکز، از مهارت‌های لازم برای هر انسان موفق است، چرا که بدون تمرکز، نمی‌توان صداهای آرام قلب را شنید و ابتکار و قدرت خلاقیت و تولید اندیشه، کاهش میابد (برگرفته از کتاب باران خوبی‌ها، نوشته علیرضا پناهیان). اما مسئله، فقط تمرکز نیست. برای مصرف تولیدات رسانه‌ای، باید از سرمایه‌ای بزرگتر مایه گذاشت و هزینه‌ای بیشتر پرداخت کرد. همانطور که گفته شد، زیربنای اعتقادات ما، اغلب از اطلاعاتی است که به دست می‌آوریم و بطور دقیق تر، نوع جهان بینی ما، بسیار وابسته است به زاویه دید ما نسبت به وقایع. هنگام استفاده از یک رسانه، آگاهی ما در واقع از لنز آن رسانه است و به عبارتی، صرفاً آن قسمت از وقایع را متوجه خواهیم شد که رسانه بخواهد. فراتر از آن، ما با استفاده کردن از محصولات یک رسانه، در حقیقت بنده آن رسانه میشویم که من اصبع الی ناطق فقد عبده و این همان هزینه گزافی است که میپردازیم. نکته بعدی اینجاست که گاه، رسانه به انتشار یک سری از داده‌های اولیه اکتفا نمیکند، بلکه به جای ما، فکر میکند و تحلیل میکند. در واقع، رسانه، نه تنها آن قسمت از واقعیت را که بخواهد به ما میگوید، بلکه آن تفسیر و تبیین که خودش از واقعیت داشته را نیز به ما القا میکند. به عبارت دیگر، رسانه به ظاهر، ادعا میکند که علاوه بر اخبار، از پشت پرده اخبار نیز برای ما روشنگری می‌کند و حال آنکه مسائل را در یک جبهه خاص و در یک بستر مشخص بیان میکند. مارشال مک لوهان، نظریه پرداز کانادایی، در این باره از عبارت جالبی استفاده میکند و میگوید: رسانه همان پیام است. در نتیجه، رسانه علاوه بر تاثیرگذاری بر درک و تفسیر ما از وقایع، بر تعامل ما با جهان پیرامون و موضع‌گیری‌های گوناگونمان نیز اثر گذار است. مک لوهان در این مورد هم جمله جالبی بیان میکند و میگوید: رسانه‌ها، گسترش اندام‌های ما هستند. رسانه‌ها، حتی میتوانند به مرور، ذائقه و علاقه ما را تغییر دهند و اینکار را آنقدر ماهرانه انجام میدهند که گاه



راه حل چیست؟

عصر ما، پست ترین دوره تاریخی بشر روی کره خاکی است. شاید نتوان تصور کرد که وضع، از این هم بدتر شود. امروزه فساد به اوج خود رسیده، بی بندوباری و فحشا نمایان شده، ظلم و بی عدالتی افسار گسیخته و شهوت بر عقل حکم میراند. در این زمانه، رسانه ها قدرت مطلق اند و این قدرت مطلق دست اراذل و ستمگران افتاده است. این رسانه ها قاتل را مقتول و مقتول را قاتل نشان میدهند. اینجاست که باید به تمام رسانه ها، به دیده شک بنگریم و دقت کنیم که هر رسانه، در حکم یک جنگ افزار قدرتمند برای یک صاحب قدرت است. تنها راهکار انسان امروز در بین این امواج اطلاعات و طغیان اخبار، از یک طرف، محدود کردن خویش به علوم و داده های نافع و به عبارت دیگر، ریاضت مطالعاتی است، و از طرف دیگر، ارتقای سواد رسانه ای است. از این روست که مک لوهان معتقد است: «زمانی که دهکده جهانی تحقق یابد لازم است انسانها به سواد جدیدی به نام سواد رسانهای دست یابند». جهت تعریف سواد رسانه ای به طور خلاصه میتوان بیان داشت که سواد رسانهای در صدد است خواندن سطرهای نانوشته رسانههای نوشتاری و تماشای پلانهای به نمایش در نیامده و یا شنیدن صداها یا پخش نشده از رسانههای الکترونیک را به مخاطبان پیامزد و نهایتاً کمک کند تا از سفرهی رسانههای به گونهای هوشمندانه و مفید بهره مند شویم. (برگرفته از کتاب سواد رسانه ای و خانواده، نوشته معصومه نصیری).

به علاوه، کسب همین علوم حداقلی نافع، باید از رسانه هایی باشد که بیشتر از سایر رسانه ها، رنگ و بوی انصاف و بی طرفی میدهند و البته، لازم است همواره محتاطانه عمل کرد، چرا که محصولات رسانه ای، در بنای اعتقادی ما نقش پررنگی دارند و به نوعی خوراک روح ما هستند. بدون شک، باید همانگونه که به غذای جسم توجه میکنیم، به کیفیت و منبع غذای روح نیز اهتمام بورزیم، همانطور که در تفسیر عبارت (فلینظر الانسان الی طعامه) چنین آمده است. بنابراین اگرچه باید بهترین رسانه را به عنوان منبع کسب اطلاعات خویش برگزینیم، عدم اطمینان خاطر کامل از محصولات این رسانه ها و حتی عدم اکتفا به یک رسانه در کسب اخبار مهم و تاثیر گذار، بسیار حیاتی است.

خودمان متوجه نمیشویم. در واقع، رسانه ها آنقدر زیاد شده اند و فعالیت دارند که تمام حواس بشر را مشغول کرده اند و قدرت تفکر را از او سلب نموده اند. به قول مرحوم آیت الله حائری شیرازی، این همان استعمار است. استعمار یعنی تعطیلی فکر، نه به آن معنا که اجازه ندهند شما فکر کنید، بلکه به آن معنی که فرصت ندهند شما فکر کنید. استعمار نو، استعمار رسیدن به جواب، قبل از رسیدن به سوال است.

آیا ما به حقیقت نزدیک تر شده ایم؟

حقیقت کجاست؟ آدرسش را از رسانه ها بپرسید. هر کدام یک چیز میگویند. مگر ما چند حقیقت داریم؟ این یک سوال فلسفی است که پاسخش در این مجال نمی گنجد. اما بطور خلاصه میتوان بیان داشت که حقیقت، فقط و فقط یکی است، و با وجود متفاوت و متنوع بودن برداشت های افراد از این حقیقت واحد، ما به عنوان یک انسان آزاده وظیفه داریم با کنار زدن پرده های شک و شبهه، در حد توانمان به تمام جوانب این حقیقت آگاه شویم. از طرفی، میتوان اذعان داشت که تقریباً هیچ رسانه ای، به طور کامل و کافی، به بیان صادقانه و منصفانه این حقیقت پایبند نیست. زیرا اصلاً فلسفه وجود رسانه، سود صاحبان رسانه از قبل انتشار محصولات خویش است. رسانه ها، اگر واقعیت ها را تغییر ندهند یا حقایق را تکذیب نکنند و یا اخباری کاملاً غلط منتشر نکنند، در بهترین حالت، صرفاً یک قسمت از حقیقت را از یک زاویه خاص بیان خواهند کرد. اگرچه در ظاهر، امروزه اخبار جهان به سرعت به دست همگان میرسد، اما در واقع، کار ما برای یافتن حقیقت، میان انبوهی از رسانه ها، بسیار دشوارتر شده است. این مسئله، زمانی نگران کننده میشود که به قدرت شگرف ابزار رسانه، توجه داشته باشیم. این قدرت آنقدر بالاست که میتواند جای جلاد و شهید را عوض کند. در واقع، امروزه رسانه ها فراتر از معرفی یک واقعیت، میتوانند واقعیت و حقیقت را بسازند و تعریف کنند.

رفت و غزلم چشم به راهش نگران شد.
دلشوره ما بود دل آرام جهان شد..

فنجان قهوه به دست، روی ایوان خانه و غرق در تنهایی
و خیالاتم مانده ام..
تصور میکنم که حالا از من آنقدر فاصله گرفته‌ای که
حتی اگر نامت را فریاد بزنم هم به گوش تو نمیرسد.
دستم از تمام رویاها و آرزوهایم کوتاه مانده..
حالا من از همیشه خسته‌ترم..
بیچاره‌ترم..
تنها‌ترم..

اما تو؟!

دیگر سبکبال و آزادی..
دیگر در حسرت خیابان‌هایی که نشد باهم قدم
بزنیم؛ خانه‌ای که نشد برایست بسازم تا زیر سقفش
آرزوهایمان را زندگی کنیم نمی‌مانی..
از آرزوها و خیال‌های دیگر برایست فقط حسرت
نمی‌ماند..
شاید که آرزوهایی نو و فردایی روشن‌تر از آنچه در
آغوش من قرار بود نصیب شود، در انتظار تو باشد..

نمیدانم رسیدن به تو هنوز هم باید معجزه‌های بی‌تکرار برایم باشد یا نه؛ اما از تمام
با تو بودن، تنها خاطرات کوچکی مانده که همانطور که بود دست‌نخورده باقی
گذاشتمشان..

● کتاب شعری که همیشه لابه لای صفحاتش یادداشت می‌گذاشتی..
روسی آبیات که هنوز در کمد است.

گردنبند فیروزه‌ات هم همانجا که در آوردی هنوز روی میز چوبی کنار کاناپه است..
● دست نردم تا بدانم شاید کوتاه و ناچیز، اما لااقل مدتی را با تمام وجود زیسته‌ام
و کنار تو نفس کشیده‌ام.

هر نور و هر خاطره این خانه هنوز با من است؛ مانند سایه‌ای که محو نمیشود
و در همان سایه‌ها، هم تنهایی خودم را و هم حضور تو را دوباره حس میکنم.

شاید دوباره روزی..

شاید دوباره جایی..

در اول آسایشمان سقف فرو ریخت..

هنگام ثمر دادنمان بود خزان شد..

زخمی به گل کهنه‌ی ما کاشت خداوند،

اینجا که رسیدیم همان زخم دهان شد.

یک حافظه کهنه، دو سه تا عطر، گیرهی مو،

رفت و همه‌ی دلخوشی‌ام یک چمدان شد.

با هر که نوشتیم چه‌ها کرد، به ما گفت،

مصدق همان وای به حال دگران شد..



پیام عاشورا در دنیای امروز

نویسنده: زهرا غلامپور

برنده مسابقه جاذبه‌های حسینی

در کودکی که بر دیوار ویران، با گچ‌پاره مینویسد: «ما نمیترسیم». اینها، برگ‌های جدید همان کتاب جاودانی‌اند که حسین (ع) با شهادتش نگاشت: زندگی آنگاه ارزش دارد که آزادی را بر بردگی ترجیح دهی. فلسطین، پرچمدار این پیام مقدس است. هر سنگی که به سوی تانک‌ها پرتاب میشود، فریاد بیداری وجدان‌های خفته‌ی جهان است: هیچ ظلمی جاوید نیست! همانگونه که صبح یازدهم محرم، خورشید بر ویرانه‌های خیمه‌گاه تابید، فردا نیز آفتاب عدالت بر غزه خواهد دمید. خداوند در قرآن وعده داده است: «وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّٰ عَلَى الَّذِينَ اسْتَظْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

(و اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و ایشان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم).

و امروز، فریاد «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي؟» عاشورا از کوچه‌های غزه به گوش میرسد و همچنان منتظر پاسخ ماست؛ تا همچون زینب (س) به پا خیزیم و شمشیر کلام ذوالفقار عدالت علی (ع) را از نیام بیرون کشیم.

غزه، امروز همان منبر خونین حسین (ع) است. در اینجا، هر خشت فرو ریخته، زنده‌کننده همان دردی است که صحرای کربلا بر دوش کشید. کودکی که در آغوش مادر جان میسپارد، علی‌اصغر (ع) راه مینمایاند. جوانی که نان را زیر آتش به خانه‌ی همسایه میبرد، عباس (ع) را در خاطر می‌آورد. در این سرزمین، مقاومت نام دیگر عاشورا است: «مرگ سرخ، بهای زندگی آزاده است».

اربعین حسینی، زنجیر طلایی پیوند قلب‌هاست. زائران کربلا، پرچم‌های غزه را همراه هزاران آرزوی بر باد رفته بر دوش می‌برند. گام‌هایشان بر خاک مقدس عراق، هم‌آواست با لرزش دل مادری که در رفح، بر فراز آوارها ایستاده و فریاد می‌زند: «ما زنده‌ایم!».

این راهپیمایی، بیعت دوباره با خون حسین (ع) است؛ خونی که امروز در رگ‌های غزه جاریست.

امروز، پیام عاشورا در ساده‌ترین صحنه‌ها جان می‌گیرد:
در دستان کوچکی که خواهر بیمارش را از زیر آوار بتن‌ها میکشد...
در پیرمردی که قرآن پاره‌پاره‌اش را از میان خمپاره‌ها نجات میدهد...

جنسیت؛ شیر یا خط؟



نویسنده: محمد صالح صفوی



رفتار از سوی یک کودک دختر ممکن است با احم، تذکر یا حتی بی‌اعتنایی مواجه شود. این تشویق‌ها و تنبیه‌های ظریف، به کودک آموزش می‌دهند که چه رفتاری پذیرفته شده است و چه رفتاری نه.

در ادامه، کودک با مشاهده‌ی الگوهای رفتاری مردان و زنان اطرافش، مفهومی ذهنی از «مرد بودن» و «زن بودن» شکل می‌دهد. مثلاً اگر مهربانی را از مادر تجربه کند و حمایت را از پدر، ممکن است نتیجه بگیرد که مهربانی ویژگی زنانه است و حامی بودن ویژگی مردانه.

در سنین حدود ۴ تا ۸ سالگی، کودک تعصب بیشتری نسبت به جنسیت خود نشان می‌دهد و نسبت به جنس مخالف رویکردی منفی دارد. در این سن، کودک رفتارهای مطابق با جنسیت خود را پاداش آمیز می‌بیند و به تدریج از دیگر الگوها فاصله می‌گیرد.

او چیزهایی را که در چارچوب جنسیت خود می‌بیند، حفظ می‌کند و باقی را نادیده می‌گیرد. شکل افراطی این فرایند در بزرگسالی به صورت طرح‌واره‌ی جنسیت ظهور می‌کند: نوعی الگوی ذهنی سختگیرانه که اجازه‌ی انعطاف در تفکر جنسیتی را نمی‌دهد.

فردی با طرح‌واره‌ی جنسیتی، دیگران را صرفاً به‌عنوان «کاملان زن» یا «کاملان مرد» می‌بیند، حال آنکه واقعیت اینگونه نیست. حتی مفاهیمی مانند «زنانه بودن» نیز شدت و ضعف دارد: مثلاً در فرهنگ ما، آرایش کردن بسیار زنانه‌تر از مهربانی تلقی می‌شود.

طرح‌واره‌ی فکر کردن، زمینه‌ساز تبعیض‌های جنسیتی است؛ مسئله‌ای که در بسیاری از جوامع و در طول تاریخ، به چالش اجتماعی بزرگی تبدیل شده است. شناخت صحیح جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی اهمیت بالایی دارد؛ چرا که تنها با آگاهی است که میتوان از شکل‌گیری نابرابری‌های اجتماعی جلوگیری کرد.

همچنین، برای تعریف درست نقش‌های اجتماعی و جایگاه افراد در جامعه، شناخت مسئله‌ی جنسیت ضرورتی انکارناپذیر است.

برگرفته از کتاب روان‌شناسی جنسیت؛

نوشته مهدی چمی کارپور

مسئله‌ی جنسیت و هویت جنسی از آن دسته موضوعاتی است که با وجود اهمیت فراوان، کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ به‌ویژه در بستر فرهنگی ما. نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا جنسیت همچون شیر یا خط، دو گانه‌ای مطلق است؟

برای پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا باید تعریف دقیقی از مفاهیم داشته باشیم. در زبان علمی، ما با دو واژه مواجه ایم: «جنس (Sex) و جنسیت (Gender)». «جنس» مفهومی زیستی است و به ساختار کروموزومی، آناتومی و فیزیولوژی فرد برمی‌گردد. در این حوزه، مانند صفر و یک‌های دنیای دیجیتال، با نظامی نسبتاً باینری (دو گانه) روبه‌رو هستیم.

اما «جنسیت» مفهومی روانی-اجتماعی است و بیشتر به هویت فرد و نقش‌هایی که در جامعه ایفا می‌کند وابسته است؛ نقشی که با رفتار، نگرش و درونیات فرد تعریف می‌شود. همان‌طور که رفتار انسان‌ها طیفی و متغیر است، جنسیت نیز همچون یک طیف تعریف می‌شود.

در یک سوی این طیف، فردی قرار دارد که تمام ویژگی‌ها و رفتارهایش در چارچوب کلیشه‌های «مردانه» است؛ و در سوی دیگر، فردی که مطابق با الگوهای رایج «زنانه» رفتار می‌کند. اما این مفاهیم، در واقع ریشه در کلیشه‌های جنسیتی دارند. برای مثال، اگر به‌طور تصادفی از فردی بپرسیم که «بلند کردن مو» رفتاری زنانه است یا مردانه، احتمالاً پاسخ می‌دهد: زنانه. اما این در حالی است که در دنیای واقعی، بسیاری از مردان موی بلند دارند و بسیاری از زنان موهایشان را کوتاه می‌کنند.

در حقیقت، همه‌ی ما ترکیبی از رفتارهایی هستیم که گاهی در نگاه جامعه زنانه تلقی می‌شود و گاهی مردانه. به همین دلیل، نمی‌توان افراد را در دو سر یک طیف جای داد. به عبارتی جنسیت، طیفی است که توسط رفتارهای ما شکل می‌گیرد.

اما هویت جنسی چگونه در ماحول می‌گیرد؟ برای پاسخ به این سوال باید به دوران کودکی برگردیم. کودک درابتدا رفتارهای متنوعی از خود بروز میدهد، اما خانواده بر اساس «جنس» کودک، او را در قالب خاصی از رفتار تشویق یا تنبیه می‌کنند. مثلاً اگر کودکی پسر باشد و از درخت بالا برود، تشویق می‌شود؛ اما همین



شماره ۱۲
فروردین ۱۴۰۴

گهنامه فرهنگی اجتماعی ایران
شماره مجوز: ۹۶۹/۷۵
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
پژشکی مشهد
مدیر مسئول: مهیا شوابی

سرمدیز: مهیا شوابی
گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه ناصری‌فرد
تحریریه این شماره: ایرمحمد راز، مهیا شوابی، کوش
شوابی، سناه نگر، رقیه کارایی، سجاد باغ آزادی، فاطمه
میرامون، محمدحاج صفوی

شماره سوم - شماره دوازدهم - خردادماه ۱۴۰۴ | نشریه جامعه اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

پازل دانشجویی

در این شماره می‌خوانیم ...

شکست یا پیروزی	صفحه ۳
چرا انسان مسئولیت پذیر؟	صفحه ۱
دردسرهای عظیم	صفحه ۷
مهری سربال آنا	صفحه ۱۰

پازل دانشجویی- خرداد ۱۴۰۴

شماره ۱۱
فروردین ۱۴۰۴

گهنامه فرهنگی اجتماعی ایران
شماره مجوز: ۹۶۹/۷۵
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
پژشکی مشهد
مدیر مسئول: مهیا شوابی

سرمدیز: مهیا شوابی
گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه ناصری‌فرد
تحریریه این شماره: علیرضا عباسیان، سجاد بشیر سرابی،
مهیا شوابی، علیرضا بهرامی و فاطمه جعفری

شماره سوم - شماره یازدهم - فروردین ۱۴۰۴ | نشریه جامعه اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

پازل دانشجویی

در این شماره می‌خوانیم ...

وقتی همه چیزمون به همه چیزمون می‌اد!	صفحه ۳
دوره‌ای ازدواج دانشجویی، اری یا خیر	صفحه ۱
مرگ دولت چهاردهم	صفحه ۵
یک تهدید نگران کننده	صفحه ۱۱

پازل دانشجویی- فروردین ۱۴۰۴

شماره ۱۵
فروردین ۱۴۰۲

گهنامه فرهنگی اجتماعی ایران
شماره مجوز: ۹۶۹/۷۵
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
پژشکی مشهد
مدیر مسئول: مهیا شوابی

سرمدیز: مهیا شوابی
گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه ناصری‌فرد
تحریریه این شماره: مهیا شوابی، مریم کرمانی، علیرضا
عباسیان، زهرا صفرائی، زینب اوزانی

شماره سوم - شماره هشتم - فروردین ۱۴۰۲ | نشریه جامعه اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دانشجو؛
مؤذن جامعه

در این شماره می‌خوانیم ...

بیشتر حق از کدام طرف است؟	صفحه ۳
حزب‌گرایی سیاسی، کاهش مسئولیت عمومی	صفحه ۷
جمهوری اسلامی ایران حرم است	صفحه ۸
فتنه ۸۸ در دانشگاه	صفحه ۹
از هر طرف که رفتیم، جز وحشتن نبروز	صفحه ۱۴
مهری کتاب حقیقا	صفحه ۱۶

دانشجو؛ مؤذن جامعه- فروردین ۱۴۰۲

شماره ۱۵
مهرماه ۱۴۰۳

گهنامه فرهنگی اجتماعی ایران
شماره مجوز: ۹۶۹/۷۵
صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
پژشکی مشهد
مدیر مسئول: مهیا شوابی

سرمدیز: مهیا شوابی
گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه ناصری‌فرد
تحریریه این شماره: رقیه کارایی، فاطمه جعفری، علیرضا
عباسیان، زینب صفرائی، علیرضا عباسیان، سجاد بشیر سرابی،
مهیا شوابی، علیرضا بهرامی و فاطمه جعفری

شماره سوم - شماره دهم - مهر ۱۴۰۳ | نشریه جامعه اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

تاریخ تکرار می‌شود...

در این شماره می‌خوانیم ...

آب زئید راه را، هین که نگار می‌رسد!	صفحه ۳
ملاقات با جمعی از کتاب‌های نخونده	صفحه ۴
مضامین با سید حمیدرضا رستگار مقدم	صفحه ۱
دورریز غذایی بیمارستانی	صفحه ۷
سید حسن نصرالله	صفحه ۸
زن غزه صبر	صفحه ۸

تاریخ تکرار می‌شود- مهرماه ۱۴۰۳